

اقتصاد سبز: گامی به سوی تحقق توسعه پایدار در حقوق بین الملل محیط زیست

محمد حسین رمضانی قوام آبادی¹

دانشیار دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی

تاریخ پذیرش: 1394/3/30

تاریخ دریافت: 1393/12/17

چکیده

حفاظت از محیط زیست یکی از نگرانی بزرگ جامعه بین المللی است. به منظور حفاظت از منابع طبیعی تجدید ناپذیر و رعایت حقوق نسل های فعلی و آینده موضوع توسعه پایدار مورد توجه دولت ها و سازمان های بین المللی قرار گرفت. توسعه پایدار در صدد ایجاد تعادل و مصالحه بین ابعاد اقتصادی، اجتماعی و زیست محیطی است. رویکرد سنتی اقتصاد قهوه ای و استفاده حداکثری از منابع طبیعی بدون توجه به حقوق نسل های آینده موجب تخریب و آلودگی محیط زیست می شود. در مقابل اقتصاد سبز نه تنها پاسخی به چالش های پیش روی جامعه جهانی محسوب می شود بلکه تحقق توسعه پایدار را تسهیل می نماید.

در این تحقیق مفهوم، ماهیت حقوقی اقتصاد سبز و نقش آن در تحقق توسعه پایدار مورد بررسی قرار گرفته است. ضمن توصیف اقدامات جامعه بین المللی جهت حفاظت از محیط زیست به تحلیل اقتصاد سبز و نقش حیاتی آن در نیل به توسعه پایدار پرداخته شده است.

امروزه دیگر نمی توان به توسعه پایدار به عنوان یک انتخاب نگرست بلکه به عنوان یک تعهد است که تمام بازیگران دولتی و غیر دولتی باید برای نیل به توسعه پایدار تمامی مساعی خود را جهت گذار به اقتصاد سبز بکار بندند. توجه به سرمایه های طبیعی برای هر جامعه ای با ارزش است و وجود برنامه های کوتاه مدت، میان مدت و دراز مدت در پرتو اقتصاد سبز، رشد و رفاه اجتماعی را برای جامعه به ارمغان خواهد آورد.

واژگان کلیدی: اقتصاد سبز، محیط زیست، توسعه پایدار، تغییرات آب و هوایی

طبقه بندی JEL: Q48, Q54, Q56, K33

مقدمه

یکی از مهمترین پیامدهای افزایش جمعیت در جهان، مصرف انرژی و تقاضای رو به تزاید منابع انرژی است. بیش از نیمی از جمعیت جهان در شهرها زندگی می کنند. به همین نسبت نیز میزان درخواست انرژی و مصرف آن در شهرها به مراتب بیشتر از روستاها است. پس شهرها مسئول انتشار بیشترین گاز کربنیک و سایر آلاینده‌های مضر برای محیط زیست محسوب می شوند. از آنجایی که منابع تجدیدناپذیر در جهان محدود است باید در پی منابع پاک و تجدید پذیر بود. جهت حل این معضلات در سطح بین المللی بیش از چند دهه است که موضوع توسعه پایدار را مطرح کرده اند. توسعه پایدار یکی از موضوعات مهم و مورد بحث حقوق بین الملل محیط زیست محسوب می شود و تاکنون چه در سطح ملی و چه در سطح بین المللی اقدامات زیادی جهت تحقق توسعه پایدار صورت گرفته است. (Kiss et Beurrier, 2004:17)

گسترده‌گی و تنوع ابعاد اقتصادی، اجتماعی و زیست محیطی مفهوم توسعه پایدار ایجاب می کند تا نظام‌های مختلف بر مقررات گذاری در سطح کلان اهتمام ویژه‌ای داشته باشند. بدین منظور تاکنون برنامه‌ها و راهبردهای گوناگونی جهت تحقق توسعه پایدار توسط دولت‌ها تدوین شده است. به صورت مشخص واژه «توسعه پایدار» از کنفرانس ریو دو ژانیرو برزیل در سال 1992 وارد ادبیات حقوق بین الملل محیط زیست گردید. به عبارت دیگر محور اصلی دومین کنفرانس بین المللی محیط زیست در سال 1992 موضوع «محیط زیست و توسعه» بود. (Dupuy, 1997:873) اگر چه قبل از آن نیز در کنفرانس استکهلم 1972 بارقه‌هایی از طرح موضوع توسعه پایدار آشکار شده بود اما اعلامیه ریو 1992 به طور شفاف و مشخص از موضوع توسعه پایدار سخن می راند.

در کنفرانس‌های بین المللی برگزار شده بعد از ریو 1992 و همچنین در اسناد مصوب این کنفرانس‌ها مجدداً بر مفهوم «توسعه پایدار» تاکید می شود. شناسایی توسعه پایدار در اسناد بالادستی نظام‌های ملی به عنوان سیاست کلی بیانگر اهمیت آن می باشد. به منظور اجرایی شدن سیاست‌های کلی نظام باید برنامه‌ها و راهبردهایی در راستای سیاست اصلی تدوین گردد تا اهداف عالی توسعه پایدار محقق شود. ابعاد سه گانه توسعه پایدار و ضرورت ایجاد تعادل بین آنها به کرات مورد توجه قرار گرفته است. طرح موضوع «اقتصاد سبز» و ورود آن به ادبیات اقتصادی و حقوقی در همین چارچوب قابل بررسی و تجزیه و تحلیل است.

ارتباط تنگاتنگ بین موضوعات اقتصادی و زیست محیطی باعث طرح رویکردهای جدید در حوزه حقوق بین الملل محیط زیست گردید که یکی از بارزترین آنها «اقتصاد سبز» می باشد. گذار از رویکرد اقتصاد سنتی به سمت اقتصاد سبز با رعایت اصل انصاف و اصل ادغام زیست محیطی امکان پذیر است. به این معنا که اقتصاد سنتی بیشتر مبتنی بر استفاده بی حد و حصر از منابع طبیعی و عدم توجه به حقوق نسل های فعلی و آینده است. آثار و تبعات ناشی از چنین اقتصادی در عمل می تواند جبران ناپذیر باشد. تغییر رویکرد در این عرصه امری محتوم و قطعی است و به همین جهت جامعه بین المللی چاره ای جز استعانت از تمامی بازیگران بین المللی جهت مقابله با آثار مزبور نخواهد داشت. گذار به سمت اقتصاد سبز بین دولت ها متفاوت است چه اینکه سطح توسعه هر یک از این کشورها با دیگری فرق می کند و سرمایه های طبیعی و انسانی هر یک از آنها در این امر دیمدخل خواهد بود. با امعان نظر به وابستگی متقابل و غیر قابل تفکیک محیط زیست با مباحث کلان انسانی از جمله اخلاق، سیاست، اقتصاد، توسعه و غیره، فرهنگ سازی و ایجاد یک نگرش سیستمی به موضوع محیط زیست مهم می نماید.

چالش های پیش روی جامعه جهانی همچون بحران های اقتصادی و مالی، افزایش جمعیت، عدم امنیت غذایی، تغییرات اقلیمی و غیره باعث شد تا سازمان ملل متحد در ادامه فعالیت هایش در خصوص توسعه پایدار و رصد اقدامات انجام شده در این خصوص در سال 2012 کنفرانس ریو + 20 را برگزار کند.

آهنگ شتابان توسعه کشور نیازمند توجه به همه ابعاد توسعه پایدار است. اقتصاد سبز یکی از مهمترین ابزارها برای تحقق توسعه پایدار است و از این منظر نه تنها موجبات حذف فقر، افزایش رفاه عمومی، بهداشت و تحقق عدالت اجتماعی فراهم می شود بلکه با آشنایی این مفهوم می توان عملکرد دولت ها از جمله دولت ایران را در این حوزه به نظاره نشست.

پرسش اصلی پژوهش حاضر حول چیستی و چرایی اقتصاد سبز و نقش آن در تحقق توسعه پایدار می چرخد. هدف این تحقیق، واکاوی مفهوم اقتصاد سبز و ارتباط آن با توسعه پایدار و اقدامات انجام شده در سطح بین المللی می باشد. پس تلاش می شود ضمن بررسی اقتصاد سبز در پرتو توسعه پایدار، اقدامات اخیر جامعه بین المللی درباره ی اقتصاد سبز مورد تجزیه و تحلیل قرار گیرد.

گذار از اقتصاد نئوکلاسیک به اقتصاد سبز

انقلاب صنعتی آثار و تبعات زیادی بر زندگی انسان داشته است. رشد اقتصادی ناشی از انقلاب صنعتی در تعدادی از کشورها نگرانی هایی را در خصوص موضوع تقسیم سرمایه بین کارگزاران اقتصادی و کارگران حقوق بگیر مطرح کرد. ابعاد اقتصادی و اجتماعی ناشی از آن موجب طرح نظریات اقتصادی در خصوص دو عامل مهم تولید یعنی سرمایه و کار گردید.

طرح موضوعات زیست محیطی در دهه 70 میلادی موجب نگرانی هایی در بخش اقتصادی شد؛ زیرا به زعم کارگزاران اقتصادی رعایت دقیق استانداردهای زیست محیطی در بخش تولید می تواند موجب کاهش رشد اقتصادی گردد. فرآیند تدریجی ادغام موضوعات اقتصادی، اجتماعی و زیست محیطی با برگزاری کنفرانس ریو 1992 آغاز شد و همچنان نیز در دستور کار دولت ها و برخی از سازمان های بین المللی قرار دارد. اقتصاد سبز یکی از مهمترین جلوه های ادغام ابعاد اقتصادی، اجتماعی و زیست محیطی است و بدون آن توسعه پایدار محقق نخواهد شد.

اکثر اقتصاددانان فارغ از اینکه جز کدام یک از نحله های اقتصادی باشند در این خصوص اتفاق نظر دارند که باید راه حل فوری جهت حل مشکلات و معضلات زیست محیطی اتخاذ گردد. اقتصاددانانی چون پیگو، سامولسون و کواز با طرح مفاهیمی همچون آثار جانبی یا آثار خارجی (برونی)، اموال عمومی و حق آلوده کردن سعی بر برپا کردن خلاءهای موجود کرده اند. به تدریج این مفاهیم از رهگذر ارائه نظریات بعدی اقتصادی تبدیل به یکی از موضوعات مهم اقتصاد محیط زیست گردید.

پیشرفت اقتصادی جوامع امری اجتناب ناپذیر است و در این راه عدم توجه به محیط زیست سبب ناپایداری توسعه می شود. جامع نگری در سیاست گذاری های مصرف، نقش بسزایی در بهبود کارایی رشد اقتصادی، ایجاد اشتغال و توسعه متوازن و حفظ محیط زیست ایفا می نماید. لذا گذار به سمت اقتصاد سبز راهکاری است که می تواند چالش های پیش روی جامعه بین المللی در حوزه محیط زیست را مرتفع سازد. جهت گذار به سمت اقتصاد سبز یکی از ابزارهای موثر در کنار فن آوری سبز، کاربری اصل آلوده ساز- پرداخت کننده است. امروزه اصل آلوده ساز- پرداخت کننده یکی از مهمترین اصول حقوق بین الملل محیط زیست است. مبنای اصل آلوده ساز- پرداخت کننده به نظریه اقتصادی پیگو اقتصاددان انگلیسی باز می گردد. پیگو اعتقاد داشت که خسارات وارده به محیط زیست ناشی از تولید محصول و همچنین خسارات ناشی از مصرف

آن منتسب به کسی می‌باشد که موجب آن شده است. (De Sadeleer, 1999:50-51)

در سال 1974 اصل آلوده ساز- پرداخت کننده به منظور جلوگیری از آلودگی و تشویق کشورهای منطقه اروپا جهت بهره‌برداری مناسب و معقول از منابع زیست محیطی در قالب اقدامات سازمان همکاری توسعه اقتصادی تدوین گردید. اعلامیه ریو 1992 در ماده 16 مقرر می‌دارد: «مقامات ملی باید در جهت بین‌المللی شدن هزینه‌های حفاظت از محیط زیست و استفاده از ابزار اقتصادی با توجه به این امر که علی‌الاصول آلوده کننده باید هزینه رفع آلودگی را بپردازد و با توجه به منافع عمومی و بدون اخلال در تجارت بین‌المللی و سرمایه‌گذاری کوشش نمایند.»

این اصل واجد دو کارکرد مهم پیشینی جهت جلوگیری از انتشار آلودگی و پسینی به منظور جبران خسارات وارده به محیط زیست است. اقدامات پیشینی بیشتر جنبه‌ی پیشگیرانه دارد و از طرف دولت و مقامات عمومی جهت نظارت و کنترل سطح کیفی محیط زیست وضع می‌گردد. یکی از مصادیق بارز آن تعیین استانداردهای زیست محیطی است. استعانت از ابزارهای اقتصادی بازار می‌تواند کمک شایانی به حفظ محیط زیست نماید. با کمک این ابزارها، در کارگزاران اقتصادی ایجاد انگیزه می‌شود تا با رعایت استانداردها از انتشار آلودگی کاسته شود. وضع مالیات عامل مهم و تاثیرگذاری در درونی سازی اثرات خارجی است. در واقع این مالیات بر تولید کنندگان محصولات آلاینده تحمیل می‌گردد. از طرف دیگر بالابردن قیمت محصول بی کیفیت و آلاینده از طرف کارگزار اقتصادی جهت جبران مافات ناشی از پرداخت مالیات دیگر نمی‌تواند مانع از عدم تمایل مصرف کننده برای خرید آن کالا گردد.

در این صورت است که تولید کنندگان کالای آلاینده تشویق می‌شود تا به منظور ماندن در گردونه بازار اقتصادی سعی کند استانداردهای کیفی کالا را حفظ کند.

درونی سازی اثرات خارجی به این معنا است که میزان مالیات تعیین شده خود به نحوی تابعی از میزان خساراتی است که از تولید آن محصول به محیط زیست وارد می‌آید. منطق اقتصادی هزینه و فایده حکم می‌کند تا کارگزار اقتصادی به منظور کاستن از هزینه‌های خود علی‌الخصوص هزینه‌های ناشی از بالا رفتن قیمت کالا به واسطه مالیات‌های زیست محیطی در صدد روی آوردن به فن آوری‌های سبز و رعایت استانداردهای زیست محیطی باشد. مالیات‌های مزبور حاصل دخالت توأمان دو اصل کلیدی محیط زیست محیطی یعنی اصل پیشگیری و اصل آلوده ساز- پرداخت کننده است. هدف اصلی از این مالیات‌ها کاهش آلودگی است. البته میزان

این مالیات خیلی مهم است زیرا در صورت پائین بودن بیش از حد دیگر انگیزه‌ای برای کاهش آلودگی توسط آلوده کننده به وجود نمی‌آید. حال اگر میزان مالیات خیلی بالا باشد در نتیجه قیمت‌ها افزایش پیدا می‌کند و هزینه‌ها خیلی بالا خواهد رفت. به عبارت دیگر با عدم افزایش قیمت‌ها، سود سهامداران پائین می‌آید و دستمزد کارگران کاهش می‌یابد. در مقابل مصرف‌کننده با دادن مالیات بر کالاها و خدمات، آلودگی را کم می‌کند و هزینه‌های اضافی هم متحمل می‌شود.

هر چه در مورد اهمیت کارکرد پیشینی گفته شد مانع از آن نخواهد شد تا درباره کارکرد پسینی بحث نشود. کارکرد پسینی اصل آلوده ساز - پرداخت کننده در قالب ابزارهای ترمیمی قابل تحقق است. کارکرد پیشینی بیشتر مبتنی بر اقدامات پیشگیرانه جهت جلوگیری از ورود خسارت به محیط زیست است در حالی که کارکرد پسینی اصل آلوده ساز - پرداخت کننده بیشتر جنبه جبرانی دارد. پیرو اصل کلی حقوق، هیچ خسارتی نباید بدون جبران باقی بماند ایجاب می‌کند تا خسارات عمده به محیط زیست باید ترمیم و جبران گردد.

لذا جهت جبران خسارات وارده به محیط زیست باید از قواعد حقوق مسئولیت مدنی بهره جست. غالب قواعد و مقررات بین المللی در حوزه مسئولیت مدنی مبتنی بر مسئولیت محض است. کنوانسیون لوگانو در مورد مسئولیت مدنی خسارات ناشی از فعالیت‌های خطرناک برای محیط زیست بر مناسب بودن برقراری رژیم مسئولیت عینی با در نظر داشتن اصل آلوده ساز - پرداخت کننده تاکید می‌کند. (De Sadeleer, 1999:69) لذا در این نوع مسئولیت دیگر قصور و تقصیر و بی‌مبالاتی عامل ضرر و زیان به آن صورت که در نظریه مسئولیت مبتنی بر تقصیر وجود دارد، مطرح نیست. بنابراین همان طور که قبلاً گفته شد خسارات باید جبران گردد و هزینه جبران خسارات بر عهده کسی خواهد بود که خسارات را بوجود آورده است.

پر واضح است که کارکردهای پیشینی و بکارگیری ابزارهای اقتصادی می‌تواند نقش مهمی بازی کند و درونی سازی هزینه‌های آثار جانبی و بیرونی خسارت بار به محیط زیست را از طریق اصل آلوده ساز - پرداخت کننده تامین نماید. در ضمن اجرایی شدن این اصل در نظام حقوقی هر کشور در حوزه محیط زیست می‌تواند در خدمت توسعه پایدار و ادغام ابعاد سه گانه آن قرار گیرد.

1-2- ادغام ابعاد زیست محیطی در چارچوب اقتصاد سبز

توسعه پایدار با ابعاد اقتصادی، اجتماعی و اکولوژیکی محقق می‌شود. مصالحه بین مسائل اقتصادی و زیست محیطی ایجاب می‌کند تا از مدل سنتی توسعه فاصله بگیریم و با رویکرد جدیدی مقدمات اعمال اقتصاد سبز زیست محیطی را فراهم سازیم. مدل سنتی توسعه بر استفاده حداکثری از منابع طبیعی بدون توجه به حقوق نسل‌های فعلی و آینده استوار است. بی‌تردید چنین رویکردی آثار و تبعات سوئی را بر محیط زیست به جای می‌گذارد. تغییر شیوه‌های تولید و اصلاح الگوهای مصرف گام موثری در جهت استفاده بهینه از منابع طبیعی محسوب می‌شود.

مقابله با چالش‌های موجود محیط زیست در سطح جهانی ایجاب می‌کند تا به سمت اقتصاد سبز حرکت کنیم. گذار به سمت اقتصاد سبز و اکولوژیک باید به منظور کاهش انتشار گازهای گلخانه‌ای، حفاظت از منابع طبیعی، تحقق عدالت اجتماعی و فردی جهت مبارزه با نابرابری‌ها باشد.

کاهش انتشار گازهای گلخانه‌ای یکی از مهمترین اهداف اقتصاد سبز محسوب می‌شود. دوره گذار واقعی به سمت اقتصاد سبز و اکولوژیک مستلزم کاهش این گازها است. کنوانسیون چارچوب مربوط به تغییرات آب و هوایی یکی از مهمترین اسناد بین‌المللی است که به منظور جلوگیری از افزایش گازهای گلخانه‌ای در سال 1992 تنظیم شده است. تثبیت میزان انتشار این گازها مهمترین هدف این کنوانسیون محسوب می‌شود. بدین منظور دولت‌های عضو ضمیمه 1 کنوانسیون ملزم شدند تا سال 2000 میزان انتشار گازهای گلخانه‌ای خود را در سطح موجود در سال 1990 بازگردانند. به منظور اتخاذ تدابیری موثر برای کاهش گازهای گلخانه‌ای پروتکل کیوتو تدوین شد. ضرورت اتخاذ این تدابیر از آن جهت مهم ارزیابی می‌شود که افزایش گازهای گلخانه‌ای یکی از معضلات جامعه بین‌المللی است. آسیب‌های ناشی از تغییرات آب و هوایی پیامدهای گوناگونی همچون افزایش سطح آب دریا، سونامی، مشکلات مربوط به آورانگان زیست محیطی و غیره را بدنبال خواهد داشت. در پروتکل کیوتو دول صنعتی متعهد شدند تا میزان انتشار گازهای گلخانه‌ای خود را به طور متوسط 5/2 درصد در مقایسه با میزان انتشار همان دولت‌ها در سال 1990 در بین سال‌های 2008 تا 2012 کاهش دهند. (protocole de Kyoto, 1997:3)

به منظور اجرای تعهدات، پروتکل کیوتو سازکارهایی منعطفی را مورد شناسایی قرار داده است. کنوانسیون چارچوب ملل متحد در خصوص تغییرات آب و هوایی همانند اکثر کنوانسیون‌ها-

های مشابه دیگر اقدام به تدوین تعهدات کلی نمود. همان طور که در بالا اشاره شد تعهد کلی کنوانسیون در خصوص تثبیت انتشار گازهای گلخانه‌ای مورد شناسایی قرار گرفت اما اجرای تعهدات کلی موکول به تعیین ساز کارهای مشخص و دقیق تر جهت نیل به اهداف کنوانسیون گردید. یکی از تکنیک‌های خاص حقوق بین الملل محیط زیست استفاده از کنوانسیون‌های چارچوبی است. در واقع کنوانسیون‌های چارچوبی اصول و تعهدات کلی مربوط به همکاری بین دولت‌ها را در یک حوزه‌ی معین بیان می‌کنند اما نحوه‌ی همکاری و جزئیات آن را به پروتکل‌ها یا موافقت‌نامه‌های مکمل واگذار می‌نمایند. البته لازم است به این نکته اشاره کنیم که ارتباط و وابستگی بین کنوانسیون چارچوب (سند اصلی) با پروتکل یا موافقت‌نامه‌های الحاقی (اسناد بعدی) با حفظ استقلال هر یک از این اسناد از دیگری است. به عبارت دیگر از حیث حقوق معاهدات هر یک از این اسناد از نظر شکلی معاهده‌ی بین المللی محسوب می‌شوند اما با این تفاوت که تنها دول عضو کنوانسیون چارچوبی (سند اصلی) می‌توانند متعهد پروتکل یا موافقت‌نامه‌های الحاقی (اسناد بعدی) گردند. از طرف دیگر لازم به ذکر است که عضویت در کنوانسیون چارچوبی (سند اصلی) لزوماً به معنی عضویت در پروتکل یا موافقت‌نامه‌های الحاقی (اسناد بعدی) نیست. (Kiss, 1993:793)

لذا پروتکل کیوتو در صدد تشریح و تعیین حدود تعهدات مندرج در کنوانسیون چارچوبی جهت کاهش انتشار گازهای گلخانه‌ای است. بدین منظور پروتکل کیوتو اقدام به تدوین ساز کارهای سه گانه تجارت انتشار، اجرای مشترک و توسعه پاک نمود.

الف) ساز کار تجارت انتشار یا تجارت حق انتشار¹؛ این ساز کار به دول عضو پیوست یک که متعهد به کاهش گازهای گلخانه‌ای هستند اجازه می‌دهد تا حق انتشار اختصاص یافته به خود را برای انجام تعهدات خود مبادله نمایند. پس کشوری که در راستای اجرای تعهدات بین المللی انتشار گازهای مربوطه را بیش از آنچه که لازم بوده است کاهش دهد در این صورت آن دولت قادر به انتقال مازاد حق انتشار خود به کشور دیگر می‌باشد. (protocole de Kyoto, 1997:6)

1- در زبان انگلیسی تحت عنوان Emission Trading و در زبان فرانسوی تحت عنوان Le commerce de droits d'émissions شناخته می‌شود.

ب) سازکار اجرای مشترک¹؛ این سازکار به دول عضو پیوست یک این امکان را می‌دهد تا واحدهای کاهش انتشار را از طرح‌های اجرا شده کاهش انتشار گازهای گلخانه‌ای در کشور توسعه یافته دیگر بدست آورند. در چارچوب پروتکل کیوتو هر یک از دو طرف طرح یعنی دولت میزبان و دولت سرمایه‌گذار ملزم به کاهش انتشار گازهای گلخانه‌ای هستند برای مثال کشور الف در کشور ب طرح یک مرکز تولید برق را به اجرا گذارد که موجب کاهش انتشار گازهای گلخانه‌ای گردد. به دیگر سخن دولت عضو پیوست یک به منظور ایفای بخشی از تعهد خود مبنی بر کاهش انتشار می‌تواند یک طرح کاهش انتشار را در دولت دیگر عضو پیوست تعریف و اجرا کند. پس دولت الف با اجرای طرح می‌تواند واحدهای کاهش انتشار را کسب کند. ج) سازکار توسعه پاک²؛ سازکار توسعه پاک نیز همانند سازکار اجرای مشترک پروژه یا طرح محور است. در سازکار توسعه پاک طرح‌هایی جهت کاهش انتشار گازهای گلخانه‌ای به اجرا گذاشته می‌شود. تفاوت اساسی بین سازکار توسعه پاک با سازکار اجرای مشترک در این است که دولت میزبان، یک کشور در حال توسعه می‌باشد. به عبارت دیگر، این سازکار بین دول عضو پیوست یک و دولت‌های در حال توسعه جاری است.

به منظور کمک به کشورهای صنعتی جهت انجام تعهدات خود با هزینه کمتر این امکان فراهم شده تا بتوانند طرح‌های کاهش انتشار خود را با هزینه کمتر در یک کشور در حال توسعه به اجرا گذارند و در ازای آن گواهی کاهش انتشار را از کشور در حال توسعه (دولت میزبان) دریافت دارد. از طرف دیگر اجرای این سازکار کمک شایانی به تحقق توسعه پایدار در کشورهای در حال توسعه می‌کند.

پس سازکار توسعه پاک نه تنها نقش مهمی در ایفای تعهد دولت‌ها در کاهش حجم انتشار گازهای گلخانه‌ای دارد بلکه می‌تواند در خدمت توسعه پایدار و پیشرفت اقتصادی کشورهای در حال توسعه قرار گیرد.

از جمله معیارهای مهم و ضروری برای قابل قبول واقع شدن طرح‌های مربوط به سازکار توسعه

1- La mise en oeuvre conjointe

2- Le développement propre

پاک معیار افزونگی¹ و توسعه پایدار² است. معیار افزونگی به این معنا است که طرح مورد نظر باید منجر به کاهش میزان انتشارات شود، اضافه بر آنچه در غیاب فعالیت طرح اتفاق می افتد. به عبارت دیگر انتشار گازهای گلخانه‌ای باید کمتر از میزانی باشد که در نبود این طرح منتشر می‌شد. (Balan, 2004)

اما معیار دوم که در صدر ماده 12 پروتکل نیز به آن اشاره شده از اهمیت زیادی برخوردار است. هدف از ساز کار توسعه پاک کمک به اعضای مندرج نشده در پیوست یک جهت دستیابی به توسعه پایدار و کمک به هدف نهایی کنوانسیون و همچنین مساعدت به اعضای مندرج در پیوست یک برای نیل به رعایت تعهدات کاهش و محدودیت کمی انتشار به موجب ماده 3 می- باشد.

پس می‌توان چنین استنباط کرد که ساز کار توسعه پاک، ساز کاری کار آمد می‌باشد و مبتنی بر منطق بُرد- بُرد است؛ زیرا هر یک از طرفین طرح (کشور سرمایه گذار و کشور میزبان) نفعی را برای خود متصور هستند. با سرمایه گذاری کشورهای توسعه یافته در طرح‌های توسعه پاک، این کشورها می‌توانند گام موثری جهت ایفای تعهدات کاهش خود بردارند و اعتباری برای کاهش انتشار دریافت نمایند. کشورهای در حال توسعه نیز از افزایش جریان سرمایه گذاری در حوزه‌ی طرح‌های توسعه پاک بهره‌مند شده و انتشار گازهای گلخانه‌ای در آن کشورها کاهش می‌یابد و از این طریق به تحقق توسعه پایدار کمک خواهد کرد. به همین جهت است که دولت‌ها در سند نهایی کنفرانس ریو + 20 تصدیق کرده‌اند که سیاست‌های اقتصاد سبز در زمینه توسعه پایدار و ریشه کنی فقر باید همکاری بین المللی از جمله تامین منابع مالی، ظرفیت سازی و انتقال فن آوری به کشورهای در حال توسعه را تقویت کنند. (L'avenir que nous voulons, 2012:58) به منظور روشن شدن بیشتر موضوع اقتصاد سبز در ادامه به تکوین آن در کنفرانس ریو + 20 خواهیم پرداخت.

3-1- شکل‌گیری اقتصاد سبز در چارچوب کنفرانس ریو 2012

کنفرانس ریو + 20 همانند کنفرانس ریو 1992 از اهمیت زیادی برخوردار بود زیرا اکثر

1- Additionnalité
2- Développement durable

کشورها و سازمان‌های بین‌المللی در آن شرکت داشتند. این کنفرانس علاوه بر بررسی اقدامات صورت گرفته در ادوار قبلی توسعه پایدار به چالش‌های¹ پیش روی جامعه بین‌المللی در خصوص توسعه پایدار می‌پردازد. توجه به کارنامه اقدامات انجام گرفته توسط جامعه بین‌المللی در این عرصه امکان ترسیم دورنمای آتی توسعه پایدار و تثبیت چارچوبی برای پیشرفت در سال‌های آینده را می‌دهد. از حیث شرکت کنندگان در این کنفرانس لازم به ذکر است که علاوه بر دول عضو سازمان ملل متحد و نهادهای بین‌المللی، سازمان‌های غیر دولتی نیز حق شرکت در این کنفرانس را داشتند. سند نهایی کنفرانس تحت عنوان «آینده‌ای که ما می‌خواهیم»² بود. این سند در بخش‌های چهارگانه خود، موضوعات مربوط به الف) تجدید تعهدات سیاسی ب) اقتصاد سبز در سیاق توسعه پایدار و حذف فقر ج) چارچوب نهادین توسعه پایدار د) چارچوب عمل و پیگیری را لحاظ کرد.

در مقدمه این سند به موضوعات حذف تمامی اشکال فقر و تثبیت و رشد اقتصادی برای همه، تحقق اهداف هزاره، تقویت همکاری و بررسی چالش‌های فعلی و در حال ظهور و تمرکز بر توسعه انسانی و همچنین تجدید تعهد در قبال توسعه پایدار و پر کردن خلاء‌های موجود اشاره می‌کند. دولت‌ها مصمم هستند تا از هیچ کوششی برای نیل سریع به اهداف توسعه مورد توافق در سطح بین‌المللی و همچنین نیل به اهداف هزاره برای توسعه تا سال 2015 خودداری نکنند.

سند نهایی کنفرانس ریو + 20 در تجدید تعهدات سیاسی به سه نکته اساسی تکیه می‌کند. الف) تاکید بر اصول ریو و برنامه‌های عمل قبلی مربوط به محیط زیست و توسعه پایدار. سند مزبور سیاهه کاملی از اسناد بین‌المللی را مورد تاکید و تایید مجدد قرار می‌دهد که قبل از کنفرانس ریو 2012 تدوین شده‌اند. اکثر اسناد مورد استناد به صورت اعلامیه، برنامه عمل و یا

1- جامعه جهانی با چالش‌های گوناگونی چون بحران‌های اقتصادی و مالی، عدم امنیت غذایی، تغییرات آب و هوایی و غیره روبرو است. علاوه بر این باید به مشکلات جمعیتی اشاره کرد زیرا تا سال 2050 جمعیت 7 میلیاردی فعلی به 9 میلیارد افزایش پیدا خواهد کرد و از طرف دیگر باید متذکر شد که در حال حاضر 1/4 میلیارد نفر در فقر شدید بسر می‌برند. نک: L'avenir que nous voulons, A/conf.216/L.1, 19 juin 2012, para. 21.

2- پیش‌نویس صفر یا draft zéro سند پایه و اولیه بود که بر طبق آن کنفرانس ریو + 20 سند نهایی خود «آینده‌ای که ما می‌خواهیم» را تدوین کرد.

راهبرد بوده است که فاقد الزام حقوقی به معنای اخص کلمه هستند. اما در عین حال به اسناد معاهده‌ای همچون کنوانسیون چارچوب ملل متحد در مورد تغییرات آب و هوایی، کنوانسیون مربوط به تنوع زیستی و کنوانسیون ملل متحد در مورد بیابان‌زایی اشاره و بر اهمیت این سه سند برای ارتقای توسعه پایدار تاکید می‌کند. تمام دولت‌های عضو این کنوانسیون‌ها را علاوه بر پابندی کامل نسبت به تعهدات‌شان در قبال اصول و مقررات مندرج در آن اسناد به اتخاذ تدابیر موثر و مشخص در تمام سطوح و تقویت همکاری بین‌المللی تشویق می‌کند.

ب) تقویت ادغام، اجرا و انسجام: ارزیابی پیشرفت‌های انجام شده و خلاءهای موجود در اجرای اسناد اجلاس‌های بزرگ در مورد توسعه پایدار و مقابله با مشکلات موجود و جدید. پیشرفت‌های صورت پذیرفته در زمینه‌ی توسعه پایدار و فقر زدایی به صورت برابر نبوده است و به همین جهت نیز دولت‌ها بر ضرورت پیگیری اجرای تعهدات پذیرفته شده قبلی اصرار ورزیدند. پر کردن فاصله سطح توسعه میان کشورهای در حال توسعه و توسعه یافته و ایجاد شرایط مناسب و تقویت همکاری‌های بین‌المللی خصوصاً در حوزه‌ی مالی و اعطای وام، تجارت و انتقال فن آوری در سطح ملی و بین‌المللی تاکید شد.

علاوه بر ادغام سه گانه توسعه پایدار به صورت برابر باید به بحران‌های متعدد مالی، اقتصادی، غذایی، و انرژی اشاره کرد که بر ظرفیت کشورهای مختلف خصوصاً کشورهای در حال توسعه تاثیر گذاشته است. برای مثال بیش از یک میلیارد نفر در جهان هنوز در فقر شدید و حدود 14 درصد از جمعیت جهان از سوء تغذیه در رنج هستند که باید مشکلات مربوط به بهداشت عمومی و بیماری‌های مسری را بدان افزود که همچنان نگران‌کننده هستند. (L'avenir que nous voulons, 2012:21)

مشکلات دیگری نیز بر سر راه تحقق توسعه پایدار وجود دارد که از آن جمله می‌توان به وضعیت خاص کشورهای آسیب‌پذیر خصوصاً در آفریقا، کشورهای کمتر توسعه یافته بدون ساحل و محاط، کشورهای با درآمد متوسط و یا در حال جنگ اشاره کرد. البته لازم به ذکر است که در مورد هر یک از چالش‌های فوق قبل از برگزاری کنفرانس ریو + 20 برنامه عمل یا راهبرد ویژه‌ای اختصاص یافته است که سند نهایی کنفرانس ریو ضمن تاکید مجدد، آنها را مورد تایید قرار می‌دهد.

ج) گروه‌های عمده و سایر طرفین ذی‌نفوذ. آخرین نکته‌ای که در تجدید تعهدات سیاسی

مورد توجه واقع شده است نقش گروه های عمده و ذی نفوذ می باشد. به همین دلیل نیز در ابتدا این بند به موضوع مشارکت عموم می پردازد. مشارکت یعنی اینکه صدای همه در مراکز تصمیم گیری شنیده شود. مشارکت واقعی، توانایی و فرصت تاثیر گذاردن بر روی فرآیند تصمیم گیری عمومی است که مستلزم یک درگیری فعال و مداوم است (Alvani, 2001: 13) مشارکت شهروندان و ذینفع ها موجب می شود که دولت ها بتوانند با رعایت نیازها و احتیاجات گروه های ذینفع، دست به انتخاب آگاهانه بزنند و در این راستا نیز گروه ها مزبور بتوانند از حقوق خودشان محافظت نمایند. رویکرد مشارکتی سبب دخالت گروه هایی می شود که به طور مستقیم و غیر مستقیم از تصمیمات اتخاذ شده متاثر می شوند به عبارت دیگر این احساس در ایشان ایجاد می شود که موفقیت و ناکامی طرح های مصوب را ناشی از اقدامات خود بدانند. هر چه احساس تعلق در نزد شهروندان و گروه های ذینفع بیشتر شود در نتیجه ایشان به طور فعالانه در فرآیند تصمیم گیری درگیر خواهند شد.

نقش عموم و مشارکت ایشان در توسعه پایدار مهم ارزیابی می گردد چه اینکه حق دسترسی ایشان به اطلاعات و دسترسی آنها به مراجع اداری و قضایی برای ارتقای توسعه پایدار ضروری است. یک بار دیگر به مفاد اصل 10 اعلامیه ریو 1992 در خصوص اصل مشارکت اشاره می شود و رعایت آن در حوزه توسعه پایدار مورد توجه قرار می گیرد. دسترسی به اطلاعات و مشارکت در تصمیم سازی و تصمیم گیری در خصوص سیاست ها و برنامه های توسعه پایدار و طراحی و اجرای آنها در تمامی سطوح از این نقطه نظر مورد اهتمام جامعه بین المللی قرار می گیرد. بدین ترتیب گروه های عمده و تاثیر گذار همچون زنان، جوانان، سازمان های غیر دولتی، بومیان، کارگران، سندیکاهای کشاورزان، صیادان و غیره در حوزه توسعه پایدار احصاء می شوند و بر نقش فعالانه جامعه مدنی در توسعه پایدار تاکید می گردد.

همان طور که در بالا مشخص شد، اقتصاد سبز از جمله موضوعاتی است که امروزه بیش از پیش در دستور کار برخی دولت ها و نهادهای بین المللی قرار گرفته است زیرا این اقتصاد می تواند در خدمت تحقق توسعه پایدار قرار گیرد. این اقتصاد ضمن توجه به ارزش های طبیعت و محیط زیست در حذف فقر و ریشه کنی آن نقش مهمی ایفا می کند. اگر به پلان اجرای اجلاس جهانی توسعه پایدار ژوهانسبورگ نگاه بکنیم همان سه عنصر اساسی توسعه پایدار یعنی رشد اقتصادی، توسعه اجتماعی و حفاظت از محیط زیست مورد توجه قرار گرفته اند و مبارزه با فقر، تغییر و

اصلاح الگوی های تولید و مصرف ناپایدار و حفاظت از مدیریت منابع طبیعی جهت توسعه اقتصادی و اجتماعی ضروری قلمداد شده اند.

تفاوت اساسی سند نهایی کنفرانس ریو + 20 با اسناد قبلی خود در خصوص توسعه پایدار در این است که سند اخیر التصویب توجه خاصی به اقتصاد سبز مبذول داشته است. اما همه کشورها نسبت به این موضوع اتفاق نظر ندارند و حتی برخی از کشورها اساساً نسبت به مفهوم اقتصاد سبز رویکرد مناسبی نداشتند. بدینی و نگرانی کشورهای در حال توسعه‌ای چون برزیل نسبت به اقتصاد سبز ناشی از این بود که این کشورها اقتصاد مزبور را سبب توقف و کندی اقتصاد خود می‌دانند. نطق رئیس جمهور کشور بولیوی در کنفرانس ریو + 20 گواه چنین مدعایی است. آقای مورالس رئیس جمهور بولیوی، اقتصاد سبز را «استعمار جدید» تلقی کرد که توسط کشورهای ثروتمند بر کشورهای در حال توسعه تحمیل شده است. به نظر ایشان کشورهای شمال می‌خواهند به بهانه حفاظت از محیط زیست در سیاست های ملی کشورهای در حال توسعه مداخله کنند. (Rio+20: la société civile monte au créneau pour dénoncer "l'échec" du sommet de l'ONU, 2012)

این موضوع به نحوی در روابط تجاری بین کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه نیز مطرح است. موضع کشورهای در حال توسعه قدری مبهم به نظر می‌رسد و نظر چندان مساعدی نسبت به آزادسازی تجارت بین الملل ندارند زیرا این آزادسازی آنها را در وضعیت رقابت مستقیم با کشورهای بزرگ صنعتی قرار می‌دهد. به موازات آن، این کشورها موانع و محدودیت های اعمال شده در تجارت بین الملل به دلایل اکولوژیک را به منزله‌ی کاهش رقابت تولید ملی و مانعی در دسترسی به بازارهای کشورهای توسعه یافته تلقی می‌کنند. همچنین این کشورها این محدودیت ها را شکل حمایتی جدیدی تلقی می‌دانند که در خدمت کشورهای توسعه یافته جهت اعمال راهبردهای سیاست‌های تجاری شان می‌باشد.

در مقابل، کشورهای صنعتی محدودیت‌های مربوط به مبادلات تجاری بین المللی را برای محدود کردن مشکلات زیست محیطی لازم می‌دانند. معذالک این کشورها در مورد سیاست‌ها و راهبردهای حفاظتی از محیط زیست اتفاق نظر ندارند. بعضی از کشورها همچون ایالات متحده نسبت به بعضی از اقدامات و اسناد مربوط به حفاظت از محیط زیست مخالف هستند، عدم تصویب موافقت‌نامه های چندجانبه زیست محیطی همچون کنوانسیون تنوع زیستی و پروتکل کیوتو به

دلایل منافع اقتصادی و تجاری شاهدهی بر این امر است.

رئیس جمهور اکوادور رافائل کورا در کنفرانس ریو 2012 اعلام کرد که: «60 درصد از گازهای گلخانه ای توسط 20 درصد از ثروتمندترین کشورها تولید می شود در حالی که 20 درصد از فقیرترین کشورهای کمتر از یک درصد از این گازها را تولید می کنند.» دولت هند با درخواست از رهبران جهان نسبت به حفاظت از زمین اعلام کرد که: «اقتصاد سبز سوداگری کردن طبیعت و جنایتی علیه زمین و بشریت تلقی می شود.» (Rio+20: la société civile monte au créneau pour dénoncer "l'échec" du sommet de l'ONU, 2012) شاید اقتصاد سبز در کوتاه مدت مشکلاتی را برای کشورهای در حال توسعه ایجاد کند اما در دراز مدت می تواند در ایجاد شغل و ظرفیت و توانمندسازی کمک زیادی به بهبود ادغام اجتماعی و حذف فقر کند. از طرف دیگر سبز بودن این اقتصاد و بهره وری معقول و منصفانه از منابع به پایداری و قابل تجدید بودن آن کمک خواهد کرد که در این صورت عنصر سوم توسعه پایدار که حفاظت از محیط زیست است تقویت خواهد شد.

بنابراین اقتصاد سبز در سیاق توسعه پایدار و حذف فقر دیده می شود و هر کشور با توجه به اوضاع و احوال و الویت های ملی دارای رویکرد، نگاه، مدل ها و ابزارهای متنوعی جهت نیل به توسعه پایدار در ابعاد سه گانه اش می باشد. به اقتصاد سبز باید به عنوان یک فرصت نگریست و نه یک تهدید؛ تحقق این اقتصاد یکی از ابزارهای ارزشمند برای نیل به توسعه پایدار است و می تواند راه حل هایی برای شکل گیری سیاست ها باشد.

سند نهایی کنفرانس ریو + 20 شرایطی را برای سیاست های ارتقای اقتصاد سبز در سیاق توسعه پایدار و حذف فقر اعلام می دارد. در ابتدا بر مطابقت این سیاست ها با اصول ریو، دستور کار 21، پلان ژوهانسبورگ اشاره و در ادامه سیاهه ی طولانی از شرایط تطابق این سیاست ها (L'avenir que nous voulons, 2012:58) به قرار زیر احصاء می نماید:

الف) مطابقت با حقوق بین الملل؛

ب) احترام به حاکمیت هر کشور بر منابع طبیعی خود با توجه به اوضاع و احوال، اهداف، مسئولیت ها و الویت های ملی و همچنین حاشیه مانور تصمیم گیری هر کشور در رابطه با سه بُعد توسعه پایدار؛

ج) با دادن نقش اول به دولت ها و مشارکت تمامی طرفین ذیربط از جمله جامعه مدنی و

تاکید بر محیط زیست و نهادهایی که به طور صحیح در تمامی سطوح اشتغال دارند؛
 د) ارتقای رشد اقتصادی پایدار و غیر انحصاری، تسهیل ابداع، عرضه امکانات، امتیازات و
 ابزارهای عملی برای همه و تضمین رعایت حقوق بشر برای همه؛

ه) توجه به نیازهای کشورهای در حال توسعه خصوصاً کشورهای با وضعیت خاص؛
 و) تقویت همکاری بین المللی شامل منابع مالی، توسعه ظرفیت ها و انتقال فن آوری به نفع
 کشورهای در حال توسعه؛

ز) خودداری از تحمیل شرایط غیر موجه نسبت به کمک های عمومی توسعه و مالی؛
 ح) عدم اعمال تبعیض خودسرانه یا غیر موجه، محدودیت پوشیده بر مبادلات بین المللی،
 خودداری از اقدامات یکجانبه جهت حل مشکلات بزرگ اکولوژیک در ورای صلاحیت کشور
 واردکننده و توجه به مبتنی بودن تدابیر مبارزه علیه مشکلات زیست محیطی فرامرزی یا جهانی تا
 حد ممکن با وفاق عام بین المللی؛

ط) مشارکت در پر کردن خلاء های فن آوری بین کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه و
 کاهش وابستگی فن آوری کشورهای در حال توسعه از طریق تمامی ابزارهای ممکن؛

ی) بهبود آسایش افراد و جوامع بومی، سایر جمعیت های محلی و سنتی و اقلیت های قومی با
 شناسایی و تکیه بر هویت، فرهنگ و منافع آنها، و خودداری از به خطر انداختن میراث فرهنگی،
 رویه ها و دانش سنتی آنها با حفظ و احترام به رویکردهای غیر تجاری که بر حذف فقر مشارکت
 دارد؛

ک) بهبود آسایش زنان، کودکان، جوانان، معلولین، معدنچیان و کشاورزان کوچک، صیادان و
 کارگران بنگاه های کوچک و متوسط و بهبود ابزارهای امرار و معاش و استقلال گروه های بومی و
 آسیب پذیر به ویژه در کشورهای در حال توسعه؛

ل) جانبداری از همه ظرفیت هایی که به زنان و مردان عرضه می شود و تضمین مشارکت برابر
 آنها؛

م) ارتقای فعالیت های مولد جهت حذف فقر در کشورهای در حال توسعه؛
 ن) پاسخ به نگرانی های مربوط به عدم برابری و ارتقای ادغام اجتماعی به ویژه حمایت
 اجتماعی حداقلی؛

س) ارتقای شیوه های تولید و مصرف پایدار؛

ع) پیگیری کوشش های انجام شده برای اجرای رویکردهای توسعه منصفانه و بدون انحصار برای مبارزه با فقر و نابرابری ها.

قسمت اعظم شرایط مذکور برای سیاست های ارتقای توسعه سبز به نحوی در اسناد دوره اول و دوم توسعه پایدار مورد شناسایی واقع شده اند. برخی از این شرایط جنبه ی کلی و عام دارند مثل شرط اول آن که مطابقت سیاست های ارتقای اقتصاد سبز در سیاق توسعه پایدار و حذف فقر را با حقوق بین الملل پیش بینی می کند.

به منظور روشن شدن بیشتر ابعاد موضوع در قسمت بعد، مفهوم و ماهیت حقوقی اقتصاد سبز مورد تجزیه و تحلیل قرار خواهد گرفت.

1-4- مفهوم و ماهیت حقوقی اقتصاد سبز

شکل گیری حقوق بین الملل محیط زیست باعث شد تا کم کم توجهات جامعه بین المللی معطوف موضوعات متعدد محیط زیست گردد. یکی از موضوعاتی که از همان دهه 70 میلادی وارد ادبیات اقتصادی گردید موضوع «محصول سبز»، «اقتصاد سبز یا رشد سبز» بود. (Verreault, 2011:2) اقتصاد سبز را معمولاً در مقابل اقتصاد قهوه ای بکار می برند؛ زمانی که به صورت بی حد و حصر از منابع فسیلی و غیر قابل تجدید استفاده شود در این صورت اقتصاد، اقتصادی قهوه ای است. رعایت ضوابط زیست محیطی در تمامی مراحل تولید موجب می شود تا محصول تولید شده سبز تلقی گردد. برای تبیین بیشتر موضوع به تجزیه و تحلیل اقتصاد سبز خواهیم پرداخت.

تاکنون تعاریف و تعبیر گوناگونی از اقتصاد سبز بعمل آمده است. اقتصاد سبز از دید اقتصادی در دو سطح اقتصاد خرد و کلان قابل بررسی است. در سطح خرد «اقتصاد سبز» به اقتصادی اطلاق می شود که کارخانه ها و بنگاههای کوچک اقتصادی اقدام به تولید محصولات سبز می نمایند. از نقطه نظر اقتصاد کلان امر قدری پیچیده تر است؛ زیرا صرف تولید محصولات سبز به تنهایی کفایت نمی کند بلکه باید تولید این محصولات با میزان استفاده از منابع تجدید ناپذیر مورد مقایسه قرار گیرد. به عبارت دیگر سهم محصولات سبز در تولید ناخالص داخلی یک کشور باید برای مثال از سهم حاصله از محصولات ناشی از منابع نفتی آن کشور جدا گردد. لذا ارزیابی سهم هر یک از محصولات یاد شده در تولید ناخالص داخلی مشخص خواهد کرد که اقتصاد سبز در

تحلیل نهایی از حیث اقتصاد کلان از چه جایگاهی برخوردار است.

از نظر اتحادیه اروپایی اقتصادی سبز تلقی می‌گردد که «موجب رشد و ایجاد شغل و حذف فقر از طریق سرمایه گذاری در طبیعت به منظور بقای طولانی مدت کره زمین شود». اتحادیه اروپایی بیشتر به فاکتورهای رشد اقتصادی توجه کرده است و به منظور گذار به سمت اقتصاد سبز بر تولید کمتر کربن و بر بکارگیری موثر و معقول منابع و ارتقای شیوه‌های مصرف و تولید پایدار تاکید دارد. برای اجرای این تدابیر، کمیسیون اروپایی بر ساز کارهای بازار همچون تعرفه و عوارض گمرکی و یارانه های زیست محیطی توجه ویژه دارد زیرا این ساز کارها به مثابه ابزارهایی جهت نیل به اهداف اقتصادی، اجتماعی و زیست محیطی توسعه پایدار محسوب می‌شوند. (Luiset, 2012)

برنامه ملل متحد برای محیط زیست (یونپ) اقتصاد سبز را اقتصادی تلقی می‌کند که «موجب بهبود آسایش انسانی و عدالت اجتماعی و همچنین سبب کاهش قابل توجه خطرات زیست محیطی و کمیابی منابع گردد». وجه مشترک تفاسیر بعمل آمده در خصوص اقتصاد سبز، کاهش تولید و انتشار کربن است. از نظر یونپ، اقتصاد سبز در صدد تقویت همگرایی هرچه بیشتر بین ابعاد سه گانه توسعه پایدار است. توسعه سیستم اقتصادی به منظور تقویت و بهبود سرمایه طبیعی زمین و همچنین افزایش بهره وری اقتصادی و کاهش نابرابری های اجتماعی است. (Rapport du PNUE, 2011)

در تحلیل های اقتصادی هزینه و فایده یکی از عوامل موثر در تداوم فعالیت و رقابت در عرصه اقتصادی است. بالا بودن هزینه های اقتصادی محصولات تولید شده ی سبز موانع متعددی برای تولید کنندگان ایجاد می‌کند. به عبارت دیگر، در کوتاه مدت تولید این محصولات موجب بی رغبتی بنگاهها و کارخانجات کشورهای در حال توسعه می‌گردد و به همین دلیل نیز نسبت به بکارگیری استانداردهای زیست محیطی در فرآیند تولید روی خوش نشان نمی‌دهند. برای مثال این کشورها معتقدند که بیشترین آلایندگی ناشی از انتشار گاز کربنیک توسط کشورهای صنعتی است و آنها در ابتدای مسیر توسعه و صنعتی شدن می‌باشند و به سختی حاضر به پذیرش هزینه های اقتصادی مربوط به رعایت استانداردهای زیست محیطی هستند.

اقتصاد سبز به عنوان کلید توسعه پایدار شناخته می‌شود. به عبارت دیگر، تحقق توسعه پایدار در گرو گذار به سمت اقتصاد سبز است. بحث در خصوص ماهیت حقوقی اقتصاد سبز با توجه به

اختلاف نظر در مورد ماهیت توسعه پایدار قدری مشکل می‌نماید چه اینکه در باب «توسعه پایدار» اختلافات زیادی بین آموزه‌های حقوقی حقوق بین الملل وجود دارد. برخی از قضات دیوان بین المللی دادگستری هم چون قاضی وریمانتری و قاضی ترینداد در نظرات مستقل و جداگانه خود بر اصل بودن «توسعه پایدار» اتخاذ موضع کرده‌اند. قاضی وریمانتری در قضیه سد گابچیکوو ناگیماروش ابراز داشت که «توسعه پایدار یک اصل حقوق بین الملل است.» به نظر وی توسعه پایدار چیزی بیش از یک «مفهوم» صرف است و این مفهوم در واقع یک اصل، با ارزش هنجاری است.» (Opinion individuelle de M. Weeramantry, 1997:85) تحقق توسعه پایدار بدون اقتصاد سبز غیر ممکن است. پس گذار به سمت اقتصاد سبز یکی از ملزومات توسعه پایدار محسوب می‌شود. حال اگر توسعه پایدار را به عنوان یک قاعده و یا یک اصل عرفی تایید کنیم این می‌تواند به این معنا باشد که اقتصاد سبز به عنوان یکی از لوازم آن، جنبه عرفی خواهد داشت. به نظر می‌رسد وقتی «اصل بودن» توسعه پایدار این قدر مورد مناقشه علمای حقوق قرار دارد، نمی‌توان چندان به عرفی بودن اقتصاد سبز امیدوار بود.

علیرغم اینکه از دهه 90 میلادی، اسناد متعدد زیست محیطی به کرات موضوع و هدف خود را به نحوی توسعه پایدار اعلام کرده‌اند و همچنین قوانین اساسی بسیاری از کشورها به صورت مستقیم یا غیر مستقیم توسعه پایدار را مورد توجه قرار داده‌اند؛ دیوان بین المللی دادگستری تنها از «مفهوم توسعه پایدار»- (Affaire relative au projet Gabčíkovo-Nagymaros, 1997:140) سخن می‌راند و قدری محتاط است همچنان از شناسایی توسعه پایدار به عنوان یک «اصل» خودداری می‌کند. به هر حال قدر متیقن آن است که توسعه پایدار را می‌توان به عنوان یک سیاست کلی تلقی کرد که باید راهبردهایی جهت نیل به آن سیاست تبیین و تعریف نمود.

بعد از شناخت اجمالی اقتصاد سبز و ماهیت حقوقی آن لازم است اهداف و بازیگران اقتصاد سبز مورد بررسی قرار گیرد.

1-5- اهداف و بازیگران اقتصاد سبز

همان طور که پیش از این نیز متذکر شدیم حفاظت از محیط زیست با چالش‌های زیادی روبرو است. جهت پاسخگویی به چالش‌های جدید در حوزه‌ی محیط زیست، جامعه بین المللی با

طرح اقتصاد سبز به دنبال حل برخی از معضلات زیست محیطی است. اهداف اقتصاد سبز را می-توان به موارد ذیل خلاصه کرد: الف) توجه به انتشار گازهای گلخانه ای؛ ب) حفظ منابع طبیعی؛ ج) توجه به اهداف انصاف و عدالت اجتماعی. بی تردید تحقق این اهداف نیازمند همکاری تمامی بازیگران عرصه بین المللی است.

حقوق بین الملل شاهد ورود بازیگران متعددی به عرصه بین المللی است. دیگر دولت‌ها و سازمان‌های بین الدولی تنها بازیگران این عرصه محسوب نمی‌شوند. به طرق مختلف، بازیگران جدید در شکل‌گیری و اجرا و نظارت بر مقررات و هنجارهای بین المللی مداخله می‌کنند. حقوق بین الملل محیط زیست نیز از این قاعده مستثنی نیست.

نقش مهم را باید به تابعان اصلی و اولیه‌ی حقوق بین الملل اختصاص داد. همکاری دولت‌ها و پایبندی آنها به تعهدات بین المللی در همه زمینه‌ها از جمله در زمینه اقتصاد سبز بسیار تعیین کننده خواهد بود. اگرچه اقتصاد سبز به عنوان یک تعهد الزام آور حقوقی لحاظ نشده است؛ اما جهت نیل به توسعه پایدار باید دوره گذار به سمت اقتصاد سبز را طی نمود. برای مثال یکی از مهمترین اهداف اقتصاد سبز کاهش انتشار کربن است در صورت عدم همکاری دولت‌هایی که بیشترین میزان انتشارات کربن را دارند چگونه می‌توان به اهداف مورد نظر در اقتصاد سبز امیدوار بود.

اجرای سیاست‌های ارتقای اقتصاد سبز، مرحله گذار و انتقال به سمت توسعه پایدار را تضمین می‌کند. البته اجرای چنین سیاستی مستلزم همکاری مشترک همه می‌باشد. تولید محصولات سبز به اعتبار تولید کننده و مصرف کننده قابل بررسی است زیرا هر یک از آنها به سهم خود نقش مهمی در تحقق اهداف مورد نظر در اقتصاد سبز دارند. تولیدکنندگان با رعایت ضوابط و استانداردهای زیست محیطی کمک شایانی به تولید محصول سبز خواهند کرد و مصرف کنندگان با خرید چنین محصولاتی حلقه دیگر این زنجیر را تکمیل می‌نمایند. تولید محصول سبز ناشی از رعایت استانداردها و بکارگیری انرژی‌های پاک است. استفاده از منابع تجدیدپذیر موجب حفظ منابع طبیعی می‌گردد و از این منظر ضمن تولید محصولات سبز نیل به توسعه پایدار تضمین می‌شود. به جهت بالا بودن قیمت تمام شده محصولات سبز باید مصرف کننده در انتخاب بین این محصولات و محصولاتی که استانداردهای زیست محیطی را رعایت نمی‌کنند به سمت محصولات سبز گرایش پیدا کند. البته کارچندان آسانی نیست زیرا مصرف کننده باید به آن درجه از درک اجتماعی نائل شده باشد تا بدون هیچ تردیدی نسبت به پرداخت بهای اضافی محصولات سبز اقدام

نماید.

بنابراین نقش دولت در این خصوص حیاتی است زیرا از یکطرف باید نسبت به تولید محصولات سبز و رعایت استانداردهای زیست محیطی نظارت کند و از طرف دیگر باید مصرف محصولات سبز را تبلیغ و ترویج نماید تا مصرف کنندگان به خرید چنین محصولاتی گرایش پیدا کنند. به نظر می رسد دولت ها باید بیشترین فعالیت خود را معطوف بخش دوم نمایند زیرا با تغییر رویکرد و سلیقه مصرف کننده و تمایل ایشان به خرید محصولات سبز، تولید کنندگان خودبخود به سمت تولید محصول سبز گرایش پیدا خواهند کرد. اقبال محصولات سبز در جامعه و متقاضی فراوان چنین محصولاتی موجب گرایش تولید کننده به سمت تولید این محصولات می شود زیرا در غیر این صورت بایستی از گردونه اقتصادی خارج شوند. تربیت و آموزش مصرف کننده سبز و بازاریابی سبز سبب تولید محصول سبز می گردد و در غیر این صورت این مفاهیم معنا و مفهوم خود را از دست خواهند داد.

با خرید محصولات سبز بخشی از هزینه های تولید چنین محصولاتی توسط مصرف کننده پرداخت شود و بخش دیگر آن باید مورد حمایت دولت ها قرار گیرد. تخفیف ها و معافیت های مالیاتی برای تولید کنندگان چنین محصولاتی می تواند مشوق خوب و موثری برای تداوم تولید محصولات سبز و حمایت از تولید کنندگان باشد. لذا نقش دولت در این خصوص قابل توجه خواهد بود و می تواند در تحقق توسعه پایدار موثر باشد. سند نهایی کنفرانس 2012 اجرای سیاست های اقتصاد سبز توسط کشورهای که بدنبال بکارگیری آنها برای گذار به سوی توسعه پایدار به عنوان یک تعهد مشترک هستند را لحاظ کرده است و بر این نکته تاکید دارد که هر کشور می تواند متناسب و منطبق با برنامه ها، راهبردها و الویت های ملی توسعه پایدار خود رویکرد مناسبی را انتخاب کند. (L'avenir que nous voulons, 2012:59)

دومین بازیگر این عرصه سازمان های بین الدولی می باشند. ادغام موضوعات اقتصادی، تجاری و زیست محیطی و همچنین مقررات گذاری در این زمینه می تواند کمک شایانی به بهبود وضعیت محیط زیست نماید. شکل گیری اقتصاد سبز در قالب ملل متحد در چارچوب اقدامات بانک جهانی و برنامه ملل متحد برای محیط زیست (یونپ) قابل بررسی است. نقطه عطف توجه بانک جهانی به مسائل زیست محیطی به دهه 80 میلادی بر می گردد. تحت فشار سازمان های غیر دولتی در کشورهای اصلی سهامدار بانک، مسائل محیط زیستی خصوصاً موضوع آثار زیست محیطی

لحاظ شد. بین سال های 1984 تا 1994، بانک جهانی حدود 400 سند تحت عناوین «سیاست های حمایتی»، «دستورالعمل های عملیاتی»، «خطوط راهبردی»، «کتاب پیشگیری و کاهش آلودگی»، «راهنمای رویه های خوب» تدوین کرد. این اسناد موضوعات متنوعی همچون ارزیابی زیست محیطی، زیستگاههای اکولوژیک، جمعیت های بومی، جنگل ها، آفت کش ها، سدها، جابجایی اجباری، مدیریت آب و انرژی را شامل شده است. (Ballande,2002:57)

بانک جهانی در طرح های زیست محیطی نیز سرمایه گذاری می کند؛ اما این سرمایه گذاری هرگز از 10 درصد از کل سرمایه گذاری تجاوز نمی کند. به طور کلی رعایت سیاست های زیست محیطی توسط بانک جنبه محدود دارد. بانک جهانی طرح ها را از حیث آثار زیست محیطی در سه گروه طبقه بندی می کند. تنها طرح های دارای خطرات زیاد در جزئیات مورد بررسی و مشورت محلی قرار می گیرند. در دهه 90، تعداد 186 طرح یعنی تنها حدود 12 درصد از طرح های گروه الف که دارای خطرات زیادی هستند مورد ارزیابی زیست محیطی عمیق قرار گرفت. بیش از نیمی از عملیات بانک بدون اثر منفی بر محیط زیست تشخیص داده شد. در مورد بعضی از طرح ها، بانک جهانی به شدت مورد انتقاد واقع شده است. در خصوص طرح هایی چون سدسازی های بزرگ، بهره برداری صنعتی از جنگل در برزیل یا اندونزی ایرادات زیادی وارد شده زیرا این اقدامات سبب تخریب جنگل ها گردیده است. (Ballande,2002:59-61)

در سال 2012، بانک جهانی گزارشی موسوم به «رشد سبز و استوار لازم است» را تدوین کرد. در این گزارش، بانک جهانی دولت ها را تشویق می کند تا به سمت سیاست های رشد سبز گرایش پیدا کنند.

گزارش اخیر بانک جهانی (Rapport de la Banque mondiale,2012) بر موارد زیر تاکید دارد:

الف) «سبز شدن رشد کارآمد» ضروری است و برای نیل به توسعه پایدار لازم است.
 ب) موانع سیاسی، وجود رفتارها و هنجارها شدیداً ایستا و همچنین فقدان ابزارهای مالی اصلی ترین مانع بر رشد سبز را تشکیل می دهند. باید بر روی سیاست ها و سرمایه گذاری های در 5 تا 10 سال آتی متمرکز شد. هدف، خروج از رشد غیر پایدار و پرهیز از آثار زیانبار بهداشت عمومی است.

ج) پیشرفت از طریق راه حل های بین رشته ای می گذرد که جنبه های اقتصادی، سیاسی،

جامعه شناختی و روانشناختی را در نظر می‌گیرد.

د) رشد سبز مفهومی یک جنبه ای و سخت نیست و بر اساس راهبردهای متنوع بر اساس کشورها با توجه به وضعیت، الویت ها و منابع محلی است. تمام کشورهای فقیر یا غنی امکان سبز شدن رشد را دارا می‌باشند بدون اینکه رشد آنها کند گردد.

گزارش برنامه ملل متحد برای محیط زیست تحت عنوان «به سوی اقتصاد سبز: برای توسعه پایدار» (Rapport du PNUE, 2011) در خصوص تبیین اقتصاد سبز پیشرو است. لذا جا دارد به اختصار به نقش یونپ در شکل‌گیری اقتصاد سبز و مفاد مندرج در این گزارش اشاره شود. گزارش اخیر یونپ از این جهت حائز اهمیت است که: اولاً به صورت مشخص موضوع اقتصاد سبز را مورد بررسی قرار می‌دهد. ثانیاً راهبردهای اجرایی مورد توجه دولت‌ها را عرضه می‌کند. ثالثاً این سند هدایتگر مباحثات مطروحه در ریو + 20 در مورد اقتصاد سبز قرار می‌گیرد. نتایج گزارش یونپ را می‌توان بدین صورت خلاصه کرد:

1- سرمایه‌گذاری تنها 2 درصد از درآمد ناخالص داخلی جهانی در 10 بخش کلیدی امکان حرکت انتقال به سمت یک اقتصاد با انتشار ضعیف کربن و استفاده به سبک معقول از منابع را می‌دهد.

2- یک اقتصاد خیلی سبز نه تنها موجب رشد به معنای سرمایه طبیعی می‌شود بلکه موجب رشد درآمد ناخالص داخلی می‌گردد.

3- اقتصاد سبز موجب سرمایه‌گذاری در سرمایه طبیعی و بالا رفتن ارزش آن می‌شود.

4- اقتصاد سبز در مبارزه علیه فقر نقش دارد.

5- گذار به سمت یک اقتصاد سبز در طول زمان موجب ایجاد مشاغل جدید می‌شود.

6- دادن الویت به هزینه‌ها و سرمایه‌گذاری‌های عمومی در حوزه‌هایی که تغییر اکولوژیک را در بخش‌های اقتصادی تسهیل می‌کند، اساسی است.

7- اقتصاد سبز می‌تواند موجب رشد و ایجاد شغل همانند اقتصاد قهوه‌ای گردد و بهترین نتایج را در میان مدت و دراز مدت با اعطاء و عرضه بیشترین امتیازات زیست محیطی و اجتماعی را به ارمغان آورد.

بازیگران عرصه اقتصادی، مجامع محلی، سندیکاها، کشاورزان، شهروندان و به طور کلی جامعه مدنی می‌توانند ایفاگر نقش‌های متعددی باشند. بازیگران عرصه اقتصادی نقش کلیدی در

فرآیند تولید و استفاده بهینه از منابع و کاهش پسماند و غیره بازی می کنند. دوره گذار به سمت اقتصاد سبز و اکولوژیک و منصفانه بدون همکاری فعالانه بازیگران غیر دولتی ممکن نخواهد بود. بعد از تجزیه و تحلیل چستی و چرایی موضوع به شرایط مناسب جهت گذار به اقتصاد سبز و اقدامات صورت پذیرفته در این زمینه در عرصه بین المللی خواهیم پرداخت.

6-1- شرایط گذار به سمت اقتصاد سبز

بی تردید مقررات گذاری در زمینه رفع موانع پیش روی سرمایه گذاری سبز از جمله مواردی است که می تواند بستر مناسبی برای گذار به سمت اقتصاد سبز را فراهم سازد. از طریق وضع استانداردهای حداقلی می توان با ناپایداری برخی فعالیت های اقتصادی مقابله کرد. وضع استانداردهای فنی محصول و استانداردهای فرآیند تولید در سطح ملی و بین المللی جملگی در همین چارچوب می گنجد. در سطح بین المللی بهبود وضعیت انرژی و کارآمدی آن از طریق سازکارهای مختلف به منظور کاهش انتشار گاز کربنیک در چارچوب پروتکل کیوتو یکی از مصادیق بارز ابزارهای موثر جهت نیل به اهداف زیست محیطی است. تشویق سرمایه گذاری سبز در بخش های مختلف اقتصادی عامل مهم دیگری است که می تواند گذر از اقتصاد قهوه ای به اقتصاد سبز را تسهیل نماید.

یارانه ها یکی از ابزارهای اقتصادی هستند که آثار متفاوتی بر اقتصاد کشورها می گذارد و سبب ایجاد بازار تصنعی و ساختگی می شود. یکی از مهمترین آثار منفی یارانه ها مخدوش شدن قیمت ها است. همین امر موجب می شود تا یارانه های مخدوش، هزینه فعالیت های تجاری را در یک محیط زیست ناپایدار به طور مصنوعی کاهش دهد. یکی از معضلات بزرگ زیست محیطی در جهان مربوط به یارانه هایی است که به تولید و مصرف سوخت های فسیلی داده می شود. یارانه های سوخت ها یافته در سال 2008 به مصرف سوخت های فسیلی 557 میلیارد دلار و به تولید این سوخت ها 100 میلیارد دلار برآورد شده است. یارانه هایی با این ماهیت نه تنها آسیب زیادی به محیط زیست وارد می آورند بلکه مانعی بزرگ بر سر راه توسعه فن آوری های قابل تجدید در حوزه انرژی خواهد بود. لذا حذف تدریجی یارانه های مربوط به تولید و مصرف سوخت های فسیلی می تواند موجب کاهش 6/9 درصد از انتشار گازهای گلخانه ای گردد. (Rapport du PNUE, 2011:30)

البته لازم به ذکر است که یارانه‌ها تنها محدود به بخش انرژی نمی‌شود بلکه در بخش‌هایی همچون کشاورزی، حمل و نقل و صید و غیره هم قابل تحقق است.

یارانه‌هایی که به بخش انرژی‌های نو و پاک و تجدید پذیر داده می‌شود قطعاً نمی‌تواند بسان یارانه‌های اختصاص یافته به سوخت‌های فسیلی تلقی گردند زیرا این یارانه‌ها موجب حمایت از سرمایه‌گذاری سبز می‌شود و از انتشار گازهای گلخانه‌ای جلوگیری می‌نماید.

مالیات‌ها یکی دیگر از ابزارهای اقتصادی هستند که دستیابی به حداکثر رفاه اجتماعی را فراهم می‌سازند. درآمدهای حاصل از اخذ مالیات در تحقق توسعه پایدار و تامین عدالت اجتماعی نقش مهمی دارد. (Pourghafar dastjerdi, 2014: ۱۳۵) اخذ مالیات بر تولید و بر مصرف به عنوان واکنش مناسبی جهت حفاظت از محیط زیست تلقی شده است. البته طرح چنین ایده‌ای برای اولین بار توسط اقتصاددان انگلیسی بنام پیگو مطرح شد. درونی سازی خسارات وارده به محیط زیست ناشی از تولید و مصرف کالاها و خدمات زیربنای نظریه پیگو را تشکیل می‌دهد. خسارات مربوط به تولید کالا و همچنین خسارات ناشی از مصرف آن متناسب به کسی که موجب آن شده است. پس این خسارات باید در قیمت کالا و خدمت مورد نظر ادغام گردد. پس آلوده-کننده باید بر طبق میزان آلاینده‌گی وارده به محیط زیست مالیات جبرانی پردازد. ریشه اصل «آلوده کننده - پرداخت کننده» که به عنوان یکی از اصول مترقی حقوق بین الملل محیط زیست تلقی می‌گردد را باید در نظریه پیگو و اقداماتی که بعد از آن در دهه 70 میلادی در چارچوب سازمان همکاری توسعه اقتصادی صورت گرفته است جستجو کرد. (De Sadeleer, 1999: 50)

51) آثار جانبی (خارجی) منفی تولید یک محصول یا یک خدمت می‌تواند خسارات زیادی به محیط زیست وارد کند بدون اینکه این خسارات در قیمت کالا یا خدمت اثری داشته باشد. برای مثال استفاده از سموم دفع آفات و کودهای شیمیایی آثار منفی زیادی بر خاک و آب‌های زیرزمینی خواهد داشت در حالی که این خسارات در قیمت محصولات کشاورزی منعکس نمی‌شود. در این مورد مصرف کننده محصولات مربوطه از قیمت بازار سود می‌برد یعنی در واقع قیمت واقعی محصول منعکس نشده است. به عبارت دیگر محاسبه هزینه خسارات زیست محیطی موجب انعکاس قیمت واقعی است. (Yazdanpanah, 2001: ۱۴)

2- نتیجه گیری

اقدامات شایسته‌ای توسط جامعه بین‌المللی از دهه 90 میلادی جهت تحقق توسعه پایدار صورت گرفته است. برگزاری کنفرانس ریو 1992 نقطه عطفی در خصوص موضوع توسعه پایدار محسوب می‌شود. تحقق ابعاد سه‌گانه اقتصادی، اجتماعی و زیست محیطی توسعه پایدار نیازمند گذار از اقتصاد قهوه‌ای به سمت اقتصاد سبز می‌باشد. اقتصاد سبز در پی مقابله با استفاده بی‌حد و حصر از منابع فسیلی و غیر قابل تجدید است. کنوانسیون چارچوب در خصوص تغییرات آب و هوایی و پروتکل کیوتو یکی از جلوه‌های عینی به منظور کاهش انتشار گازهای گلخانه‌ای است. جامعه بین‌المللی با تدوین این اسناد تلاش می‌کند تا با جلب مشارکت دولت‌های توسعه یافته و در حال توسعه به اهداف مورد نظر نائل گردد. متأسفانه باید اذعان داشت که علیرغم پیش‌بینی سازکارهای منعطف در چارچوب پروتکل کیوتو، دورنمای روشن و امیدوارکننده‌ای در خصوص کنترل انتشار گازهای گلخانه‌ای به نمایش نمی‌گذارد. این ناامیدی بیشتر از استناد دولت‌های در حال توسعه خصوصاً چین و هند به حقوق ترجیحی و همچنین عدم الحاق دولت ایالات متحده آمریکا به پروتکل کیوتو ناشی می‌شود زیرا هر یک از گروه دول مذکور (در حال توسعه و توسعه یافته) بیش از یک چهارم گازهای گلخانه‌ای را منتشر می‌کنند. همان‌طور که مشاهده می‌شود نیمی از مسبب اصلی انتشار گازهای گلخانه‌ای و یا به تعبیر دیگر مسبب تغییرات آب و هوایی خارج از گردونه کنترل‌های ناظر بر پروتکل کیوتو قرار می‌گیرند.

در سال 2012 کنفرانس ریو + 20 با تدوین سند نهایی آن تحت عنوان «آینده‌ای که ما می‌خواهیم» تلاش نمود ضمن استناد به اسناد کنفرانس‌ها و نشست‌های قبلی موضوع توسعه پایدار را مورد تأکید مجدد قرار دهد و بر اقتصاد سبز توجه ویژه‌ای داشته باشد. با وجود انتظارات چشمگیر بیشتر ناظران بر تغییرات محسوس درباره چارچوب‌های نظام موجود حفاظت از محیط زیست در سطح بین‌المللی و ایجاد یک «کمیساریای عالی برای نسل‌های آینده» و «ارتقای سطح برنامه عمران ملل متحد برای محیط زیست» و تبدیل آن به یک سازمان تخصصی بین‌المللی برای تبیین اهداف مشخص و نیز ایجاد نوعی «برنامه راه برای اقتصاد سبز» که در سر می‌پروراندند اما نتایج حاصل از کنفرانس 2012 چندان امیدوارکننده نبود. البته لازم به ذکر است که به سبب وجود برخی ابهامات در مفهوم اقتصاد سبز در سند مذکور هیچ تعریفی از آن صورت نگرفت. در حالی که تعریف

اقتصاد سبز به دلایل عدیده مهم می‌نماید. تعریفی مشخص از اقتصاد سبز برای به اجرا گذاشتن ابزاری موثر و همچنین نسبت به تنظیم موافقت نامه‌های اقتصادی و تجاری آتی و تفسیر آنها در سطح سازمان جهانی تجارت موثر خواهد بود.

در پایان باید اذعان داشت که توسعه پایدار یک تعهد و یک ضرورت است و نمی‌توان به آن به دیده یک انتخاب نگریست. پس در این صورت گذار به سمت اقتصاد سبز امری گریز ناپذیر خواهد بود.

References:

Books and articles

- [1] Alvani, seyed mehdi (2001). The role of public participation in the effectiveness of public administration, Publication management and development, (80). (In Persian).
- [2] Balan, Tamar, (2004). « Mécanisme pour un développement proper (MDP) », Réseau Action Climat, France.
- [3] Ballande, Hélène, (2001). «La Banque mondiale a-t-elle raté sa révolution verte?», *l'économie politique*, n. 10.
- [4] De Sadeleer, (N.), (1999). les principes du pollueur payeur, de prévention et de précaution, AUPELF-UREF, Universités francophones, Bruylant.
- [5] Dupuy, P. M., (1997). «Où en est le droit international de l'environnement à la fin du siècle?», *RGDIP*.
- [6] Kiss, A., Beurier, J. P., (2004). Droit international de l'environnement, pedone.
- [7] Kiss, Alexandre, (1993). «Les traités-cadres: une technique juridique caractéristique de droit international de l'environnement », *AFDI*.
- [8] Luiset, J., et al., (2012). «L'économie verte dans le cadre de Rio +20».
- [9] Pourghafar dastjerdi, J., (2014). Green tax (environmental taxes), *Economic Journal*, Numbers 1 and 2. (In Persian).
- [10] Ramazani Ghavamabadi, Mohammed Hossein, (2013). From Rio to Rio in the quest for sustainable development, *Journal of Legal Studies*, Number 62. (In Persian).
- [11] Verreault, L., (2011). L'émergence de l'économie verte: quel rôle pour les acteurs publics?, ENAP.
- [12] Yazdanpanah, H, (2011). Polluter pays principle in environmental law, environmental law master's thesis, Shahid Beheshti University. (In Persian).

Documents :

- [1] Affaire relative au projet Gabčíkovo-Nagymaros (Hongrie / Slovaquie), CIJ, 25 septembre 1997.
- [2] Déclaration de Johannesburg sur le développement durable, A/CONF.199/20,

- 2002.
- [3] Déclaration de millénaire, A/RES/55/2, 13 septembre 2000.
 - [4] Déclaration de Rio, 1992.
 - [5] Déclaration de Stockholm, 1972.
 - [6] L'avenir que nous voulons, A/conf.216/L.1, 19 juin 2012.
 - [7] Opinion individuelle de M. Weeramantry, 1997.
 - [8] Plan de mise en œuvre du Sommet mondial pour le développement durable, A/CONF.199/20, 2002.
 - [9] Programme d'action du Sommet mondial pour le développement social, 1995.
 - [10] Protocole de Kyo, 1997.
 - [11] Rapport de la Banque mondiale: une croissance verte et solidaire est nécessaire, 2012.
 - [12] Rio+20: la société civile monte au créneau pour dénoncer "l'échec" du sommet de l'ONU, www.liberation.fr/depeches/2012/06/21/rio20-l-economie-verte-est-une-nouvelle-forme-de-colonialisme-des-riches-selon-la-bolivie_828183
 - [13] Vers une économie verte: pour un développement durable, Rapport du PNUE, 2011.